

تأثیر سبک زندگی اسلامی بر پیشگیری از

جرایم مالی

محمد رضا دانشور ثانی^۱

محمد رضا میرزایی^۲

چکیده

سبک زندگی یکی از موضوعاتی است که امروزه مورد توجه بسیاری از دانشمندان، به ویژه محققان علوم اجتماعی قرار گرفته است. یکی از انواع سبک زندگی، سبک زندگی اسلامی است. این سبک، به دلیل اینکه دربرگیرنده مؤلفه‌هایی مانند سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی، عبادی، خانواده، سلامت، علم، امنیت و به طور کلی تمام باورها و عقاید است، بهترین و کامل‌ترین نوع سبک زندگی است. در این مقاله به این مهم دست یافتیم که بین سبک زندگی اسلامی و پیشگیری از جرم رابطه تنگاتنگی وجود دارد. زیرا در جامعه اسلامی اگر افراد به دستورات دین اسلام توجه نموده و به آن عمل کنند، بزهکاری به شدت کاهش پیدا کرده و از وقوع جرم پیشگیری می‌شود. از عواملی که دین اسلام به شدت روی آن‌ها تأکید داشته و باعث می‌شود تا انسان به سمت بزهکاری کشیده نشود و در واقع وظیفه شخص مکلف است تا آن‌ها را در زندگی سرلوحه کار خود قرار دهد، عبارت‌اند از ایمان و اعتقاد به وحدانیت خداوند و اینکه او، همیشه ناظر بر اعمال ما است، اعتقاد به معاد و روز رستاخیز، انجام اعمال عبادی و تربیتی مثل خواندن نماز، داشتن اخلاق نیکو، انفاق و احسان به هم‌نوع، معاشرت با نیکان و افراد صالح، صبر بر مشکلات، دوری از تجملات، قناعت داشتن و به طور کلی متخلّق شدن به اخلاق نیک و انجام هرآنچه که خداوند به آن دستور داده است.

کلید واژه‌ها: سبک زندگی، زندگی اسلامی، بزهکاری، پیشگیری، جرایم مالی.

۱. دانشیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی و مدرس جامعه المصطفی العالمیه نمایندگی خراسان

۲. دانش‌پژوه دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی جامعه المصطفی العالمیه نمایندگی خراسان

مقدمه

یکی از مباحث و موضوعاتی که امروزه مورد توجه بسیاری از دانشمندان، به خصوص دانشمندان علوم اجتماعی قرار گرفته است، موضوع «سبک زندگی» است. سبک زندگی نظام خاصی از زندگی است که به یک فرد، خانواده و یا جامعه اختصاص دارد. این نظام، درحقیقت هندسه کلی رفتار بیرونی است که افراد، خانواده‌ها و جوامع را از هم متفاوت می‌سازد.

از آنجا که دستورات دینی می‌تواند بر سبک زندگی افراد تأثیرگذار بوده و زمینه رشد و شکوفایی آن‌ها را فراهم کند، لذا سبک زندگی دینی به ویژه زندگی اسلامی می‌تواند عاملی باشد که فرد را قادر سازد تا ضمن شناخت بهتر خود و دیگران، به ایجاد ارتباط مناسب با مردم و سازگاری با محیط و اجتماع بپردازد، زیرا رفتار افراد، یکی از عواملی است که از سبک زندگی تأثیر پذیرفته و تحت تأثیر عوامل اجتماعی قرار دارد. این رفتار، زمانی می‌تواند شخصیت انسان را به کمال برساند که بین او و محیط اطرافش، ارتباط مناسبی وجود داشته باشد.

سبک زندگی مطلوب، در سبک زندگی اسلامی تجلی پیدا می‌کند. چون منبع اصلی سبک زندگی اسلامی قرآن کریم بوده که خداوند، برنامه زندگی سعادت‌مندان بشریت را در آن بیان نموده است. لذا مسلمانان لازم است که زندگی خود را براساس کلام الهی پایه‌ریزی نماید، زیرا شایسته نیست که جامعه اسلامی با داشتن ذخایر عظیم معرفتی و فرهنگی، از فرهنگ‌های بیگانه الگوبرداری کند.

بر این اساس، سبک زندگی اسلامی را می‌توان بهترین شیوه زندگی فردی و اجتماعی دانست که همه یا بیشتر مسلمانان به دستورات آن عمل می‌کنند. دین اسلام، با دستورالعمل‌هایی که ارائه نموده است، بهترین سبک زندگی فردی و اجتماعی را برای پیروان خود بیان می‌کند که درحقیقت این دستورالعمل‌ها، برای هرچه بیشتر و بهتر پرورش دادن افراد جامعه است تا در سایه تعالیم عالییه اسلامی، جامعه به رشد و بالندگی دست پیدا کرده و راه رسیدن به قله‌های کمال و سعادت را پیش گیرد.

هدف دین اسلام از ارائه آن دستورات، پرورش یافتن افراد جامعه و رسیدن به سعادت و کمال مطلوب است و این امر محقق نمی‌شود مگر اینکه افراد جامعه با انجام واجبات و دوری از محرّمات و متخلّق شدن به اخلاق حسنه تلاش کنند تا به این مهم دست پیدا کنند. از دیدگاه اسلام، عامل تقوا و پرهیزگاری، در تمامی زمینه‌های حیات بشری، از جمله اصلاح ناهنجاری‌های رفتاری و پیشگیری از جرایم و انحرافات اجتماعی مؤثر و کارساز می‌باشد و حکم درمان ریشه‌ای برای تمامی مفاسد اخلاقی، رفتاری و اجتماعی را در زندگی انسان دارد.

از آنجا که امروزه پیشگیری از جرم، مورد توجه بسیاری از نظام‌ها و مکاتب حقوقی قرار گرفته است، در هر نظام و مکتب حقوقی به تناسب مبانی و تعاریفی که برای جرم و بزهکاری ارائه می‌شود، راهکارهای پیشگیری از جرم نیز، متفاوت بیان شده است. یکی از راهکارهایی که برای پیشگیری از جرم پیشنهاد می‌شود، «پیشگیری دینی» می‌باشد که همواره مورد توجه اندیشمندان علوم اجتماعی به ویژه جرم‌شناسان بوده است. به همین جهت در نظام حقوقی اسلام نیز، یکی از راه‌های پیشگیری از جرم، «تبلیغ و بیان آموزه‌های اسلامی» که همان نشر تعلیمات دینی و اخلاقی برای تهذیب نفس و تعدیل تمایلات و غرایز انسانی است، معرفی شده است.

۱. تعریف سبک زندگی اسلامی

سبک زندگی اسلامی به این معنی است که در زندگی هر فرد، چه شخصی، چه خانوادگی و چه اجتماعی، قواعد، الگوها، قالب‌ها و ملاک‌های اسلامی نقش مهمی ایفا کند. یعنی روش‌ها، طبق آنچه اسلام بیان نموده و خواسته است به کار گرفته شود. (محمدزاده، ۱۳۹۵: ۱۷) بنابر این اسلام به عنوان یکی از بنیان‌های سازنده سبک زندگی انسان است. در واقع یکی از مهم‌ترین نوآوری‌ها در مفهوم سبک زندگی اسلامی این است که به آموزه‌های اسلام و کلیت اسلام توجه شده است. سبک زندگی اسلامی به این دلیل که اسلامی است، در برگزیده مؤلفه‌هایی است که شامل مؤلفه‌های اجتماعی، اخلاقی، خانواده، عبادی، سلامت، علم، امنیت و باورها و عقاید است. به همین جهت تعریفی که برخی از دانشمندان مسلمان از سبک زندگی کرده‌اند این است که گفته‌اند: «سبک زندگی ناظر به مسائلی است که متن زندگی انسان را در دین شکل می‌دهد». (همان: ۱۸)

به عبارتی وقتی از چگونگی زیستن مؤمنانه سخن به میان می‌آید، تمام مسائلی را که آدمی در متن زندگی با آن مواجه است، باید مد نظر قرار داد، از این‌رو گستره سبک زندگی در عرصه وسیعی از رفتار آدمی با خدا، خود، جامعه، خانواده و حتی طبیعت را در بر می‌گیرد. در قرآن کریم نیز به نوعی از زندگی اشاره شده که از آن، به زندگی پاکیزه (حیات طیبه) تعبیر شده که مصداق مهم سبک زندگی اسلامی به حساب می‌آید. چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً﴾. (نحل: ۹۷) یعنی هرکس از مرد و زن کار شایسته و عمل صالح انجام دهد، درحالی که مؤمن است، مسلماً او را به زندگی پاک و پاکیزه‌ای زنده می‌داریم. این آیه شریفه بیانگر اعطای حیات طیبه از سوی خداوند متعال به هر کسی است که ایمان خود

را با عمل صالح، تکمیل نماید. حال منظور از این زندگی نیکو و پاکیزه چیست؟ اقوال مختلفی ارائه شده است.

از جمله گفته‌اند مقصود، روزی حلال و یا رضایت و خوشنودی الهی است و یا ممکن است بهشت برین و نیز زندگی پاکیزه در عالم قبر باشد؛ البته مفهوم حیات طیبه بسیار وسیع و گسترده است و مقصود، زندگی پاکیزه از آلودگی‌ها، ظلم‌ها، خیانت‌ها، عداوت‌ها، و هرگونه چیزی که آب زلال زندگی را در کام انسان ناگوار می‌سازد، در بر می‌گیرد.

۲. رابطه سبک زندگی اسلامی و پیشگیری از جرم

بر اساس مطالعاتی که دانشمندان و حقوق‌دانان انجام داده‌اند، می‌توان گفت رابطه تنگاتنگی بین سبک زندگی و جرم وجود دارد. به طوری که اگر افراد جامعه، سبک زندگی اسلامی را اختیار نموده و در امور زندگی، دستورات دین اسلام را سرلوحه کار خود قرار داده و به آن عمل نمایند، در آن جامعه بزهکاری و جرم به شدت کاهش پیدا خواهد کرد. اصولاً دین مبین اسلام، به پیشگیری از جرم اهتمام جدی داشته و به همین دلیل قبل از هر چیز به عوامل به وجود آورنده و زمینه‌های گناه و جرم توجه کرده و برای مقابله با آن‌ها با واقع بینی تمام چاره‌اندیشی نموده است.

قرآن کریم به عنوان مهم‌ترین و متفن‌ترین منبع اسلامی، به موضوع پیشگیری از جرم، توجه ویژه‌ای دارد. هر چند که در قرآن به طور مستقیم کلمه «پیشگیری» به کار نرفته، اما به شکل ضمنی آیات فراوانی بر این مسئله دلالت می‌کند. برای مثال، بیشتر آیات نهی از منکر، به نوعی انسان را از چیزی (گناه) برحذر می‌دارند که این خود، بدون شک نوعی پیشگیری از وقوع گناه است. (توسلی و صادقی، ۱۳۹۴: ۵۱)

تاریخ پیشگیری قرآنی، مقدم بر حقوق جزا و جرم‌شناسی است. در ماجرای قتل هابیل توسط قابیل که در آیات ۲۷ تا ۳۱ سوره مائده ذکر شده است، عدم قبولی قربانی قابیل از جانب خداوند به خاطر بی‌تقوایی او اعلام می‌شود و علت اینکه هابیل مبادرت به قتل قابیل نمی‌کند، این بوده که اولاً از خدا می‌ترسد و ثانیاً نمی‌خواهد با کشتن قابیل مرتکب گناه و اهل آتش گردد. همچنین نهی خداوند متعال از کشتن فرزندان بی‌گناه مشرکان مکه که توسط پدرانشان صورت می‌گرفت، مؤید نگاه پیشگیرانه قرآنی به جلوگیری از ارتکاب قتل و جرم است، اگر چند مقتول، فرزند یک مشرک یا کافر باشد. چنان که می‌فرماید: ﴿وَإِذَا الْمَوْءِدَةُ سَأَلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ﴾؛ می‌پرسند از آن دخترک زنده به گور، به کدامین گناه کشته شده است؟ (تکویر: ۷)

همچنین در داستان حضرت یوسف و زلیخا که می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَ هَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنَّ رَأَىٰ بَرهَانَ رَبِّهٖ كَذَٰلِكَ لِنَصْرَفَ عَنْهٗ السُّوءَ وَ الْفَحْشَاءَ اِنَّهٗ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ﴾؛

یعنی آن زن قصد او را کرد و او نیز اگر برهان پروردگار را نمی‌دید قصد وی را می‌نمود، این چنین کردیم تا بدی و فحشا را از او دور سازیم، چرا که او از بندگان مخلص ما بود. (یوسف: ۲۴) در این آیه، خودداری حضرت یوسف از پذیرش درخواست زلیخا را روشن شدن برهان الهی به آن حضرت بیان می‌کند.

چنان که ملاحظه شد، اگر انسان‌ها به ویژه مسلمانان به دستورات خداوند و آموزه‌های اسلام که در قرآن بیان شده توجه کند، نه تنها دست به ارتکاب جرم نزده بلکه همواره او را در مسیر رشد و تعالی قرار داده و از لغزش‌ها، انحرافات اجتماعی و ارتکاب جرایم، دور نگه می‌دارد، اما علت اینکه متأسفانه بعضی افراد به سمت بزهکاری رفته و دست به ارتکاب جرم می‌زنند، به خاطر این است که اولاً به دستورات خداوند و دین اسلام توجه نداشته و ثانیاً عوامل دیگری وجود دارد که باعث می‌شود تا افراد، مرتکب جرم شوند.

۳. عوامل مؤثر در ارتکاب جرم

اصولاً ارتکاب هر جرمی ناشی از عوامل مختلف جسمی، روحی-روانی، شخصیتی و اجتماعی است. مطالعات انجام شده در رشته‌های جرم‌شناسی و همچنین جامعه‌شناسی کیفری و روان‌شناسی کیفری نشان می‌دهد اکثر افرادی که به ارتکاب جرایم به ویژه به صورت حرفه‌ای دست می‌زنند، افرادی هستند که از لحاظ اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی و روحی-روانی آسیب پذیر هستند. در واقع فشار عوامل مختلف موجب سقوط افراد به ورطه ارتکاب جرم می‌شوند.

باتوجه به مطالب فوق، می‌توان گفت نرخ ارتکاب جرم، تابعی از عوامل مختلف از جمله متغیرهای اقتصادی است که به نحوی با سطح درآمد افراد در ارتباط است. بر اساس مبانی نظری و شواهد تجربی، عوامل مختلفی مانند فقر، بیکاری، محرومیت، شهرنشینی، زیاده خواهی، تورم، نابرابری‌های اقتصادی و درآمدی و... می‌تواند از جمله عوامل ارتکاب جرایم مالی باشند که در ادامه به صورت مختصر به توضیح چند نمونه از آن‌ها می‌پردازیم:

۳.۱. فقر

به عقیده بسیاری از حقوق دانان، فقر یکی از عوامل مهم ارتکاب جرم از جمله جرایم مالی می‌باشد، زیرا با افزایش فقر، شانس ورود به جرایم علیه اموال افزایش یافته و در حقیقت ارتباط مستقیمی بین فقر و جرم و جنایت وجود دارد (فطرس و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۸۵) زیرا بسیاری از بزهکاران در مقابل فقر مادی توانایی مقاومت نداشته و دست به ارتکاب جرایم مختلف، از جمله جرایم مالی می‌زنند. فقر و جرم از چند جهت با یکدیگر

رابطه دارد؛ جهت اول، مربوط به وضع فقرا می‌شود و معطوف به این امر است که فقرا وقتی مشاهده می‌کنند نظم و ترتیبات موجود در جامعه برای آن‌ها منافعی در پی ندارد، آن نظم را بر نمی‌تابند و به راحتی علیه آن شورش کرده و آن را برهم می‌زنند. در واقع نظم برای آن‌ها مشروعیت ندارد. هنگامی که فقر ناشی از بی‌عدالتی و فاصله طبقاتی باشد، موجبات احساس محرومیت را در فقرا به وجود می‌آورد. این احساس محرومیت، به نوبه خود باعث به وجود آمدن احساس سرشکستگی و ناکامی و در نتیجه منجر به خشونت می‌شود.

جهت دوم آن، مربوط به اغنیا است. در واقع احساس غلو و خود بزرگ بینی که در بعضی از اغنیا وجود دارد، خود، مولد فقر است، زیرا جرایمی که معمولاً یقه سفیدان مرتکب می‌شوند، جرایمی هستند که ممکن است خیلی به عنوان جرم در جامعه محسوب نگشته و یا به دلیل ارتباط با منابع قدرت و ثروت، در تله محاکم گرفتار نگردند که در واقع نوع عملکرد آن‌ها، تولید فقر می‌کند. جهت سوم اینکه به خاطر دسترسی ثروتمندان به منابع قدرت و حاکمیت است؛ یعنی قوانین به گونه‌ای وضع می‌شوند که منافع آن‌ها را تضمین کرده و عملاً خواسته آن‌ها را در پی داشته باشد.

در ادبیات اقتصادی، دو نوع فقر وجود دارد؛ فقر مطلق که به عنوان تأمین حداقل هزینه‌های لازم زندگی برای کسب رضایت در تأمین سلامت و بهداشت تعریف می‌شود و قابل اندازه‌گیری است. فقر نسبی که در این حالت فرد حداقل‌ها را داشته، اما نسبت به سایر گروه‌های درآمدی جامعه، فقیر محسوب می‌شود. (صادقی و همکاران، ۱۳۸۴: ۶۹)

فقر به طور مستقیم و یا غیر مستقیم باعث افزایش فعالیت‌های مجرمانه می‌شود. بنابراین می‌توان گفت در هر جامعه‌ای، نرخ جرم، رابطه‌ای مستقیم با نرخ فقر دارد و افزایش فقر منجر به افزایش جرم می‌گردد. مطالعات تجربی نیز نشان می‌دهد که فقر با برخی از جرایم مانند سرقت رابطه مستقیم دارد. (همان: ۶۷)

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت درست است که فقر باعث افزایش فعالیت‌های مجرمانه می‌شود، اما به تنهایی ممکن است آسیبی به جامعه وارد نکند، چنان که بسیاری از مردم به ویژه روستائیان با وجود دارا بودن سطح پایینی از زندگی، کمتر دست به هرگونه جرم و جنایتی می‌زنند، بلکه فقر زمانی مخرب خواهد بود که در مقابل آن، آرزوهای بلند پروازانه‌ای وجود داشته باشد. در این صورت است که فقر غیر قابل تحمل می‌شود.

علاوه بر آن، فرآیند تبدیل ثروت به یک ارزش، جریان خطرناکی برای جامعه خواهد بود، زیرا این فرآیند، ثروت را به یک ارزش مثبت و فقر را به یک ارزش منفی تبدیل

می‌کند. وقتی ثروت در جامعه به نمایش گذاشته شده و تبدیل به یک ارزش شود، در حقیقت ترویج تجمل‌گرایی صورت می‌گیرد که به نتایج زیانباری منتهی خواهد شد، چون وقتی انسانی با تغییر ارزش‌ها و ارزشمند شدن پول، خود را شدیداً نیازمند به پول احساس کند و امکان افزایش درآمد مشروع برایش موجود نباشد، چه‌بسا به راه‌های نامشروع توسل جسته و مرتکب جرایم مختلفی از جمله جرایم مالی شود.

۲.۳. بیکاری

بیکاری یکی از متغیرهای مهم و کلان اقتصادی می‌باشد که همواره مورد توجه سیاستگذاران کشورها بوده و هست. این امر به لحاظ اثرات و تبعات منفی اقتصادی، اجتماعی، حائز اهمیت است، زیرا به طور مشخص بیکاری بر بسیاری از پدیده‌های اجتماعی به خصوص جرم، تأثیرگذار بوده و از لحاظ مبانی نظری نیز مورد تأیید است. (همان: ۶۹) وقتی نرخ بیکاری بالا باشد و افرادی که شغل خود را از دست داده و یا موفق به یافتن شغل نشده افزایش یابند، فرصت ورود به فعالیت‌های غیرقانونی و ارتکاب جرم مانند سرقت و... افزایش می‌یابد. (فطرس و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۸۴) رابطه‌ای مثبتی که بین بیکاری و جرم برقرار است این است که فرد بیکار، قادر به حفظ استاندارد خاص زندگی خود نیست. بنابراین، بیکاری، فرد را مجبور به وارد شدن در فعالیت‌های مجرمانه می‌کند. (صمدی، ۱۳۹۲: ۱۹۵)

اصولاً اشتغال افرادی که به سنین کار می‌رسند، یک الزام خاص اجتماعی، اقتصادی است. بیکاری این گروه سنی، از بابت تهدید امنیت ملی و اجتماعی قابل بررسی است، زیرا اشتغال، نوعی مجوز زندگی مستقل می‌باشد. بیکاری می‌تواند به انحراف و سرخوردگی نسل جوان و بحران‌های اجتماعی منجر گردد، زیرا فرد بیکار، افکار منفی به ذهنش خطور کرده و ممکن است آن‌ها را عملی کند. در واقع، می‌توان گفت وقت‌های تلف شده و افکار منفی (که در زمان بیکاری به سراغ انسان می‌آید) آفت زندگی هر فرد، خصوصاً جوانان تحصیل کرده است که متعاقباً ممکن است باعث جرم‌خیزی و یا بسترسازی جرم شود.

جامعه بیش از اینکه به پول و رفاه احتیاج داشته باشد، نیازمند کار سازنده است. چون اگر کار و جود نداشته باشد، احتمال دست زدن به انواع جرم از جمله جرایم مالی و سایر انحرافات اجتماعی وجود دارد. بنابراین هر جامعه‌ای برای تداوم حیات و بقا، به کار و فعالیت احتیاج داشته و هرچه زمان بگذرد بر اهمیت آن افزوده می‌شود. علاوه بر آن، کار، سرمایه و ذخیره ملی است و می‌تواند به رشد تمدن و مدنیت یک کشور کمک شایانی کند.

مهم‌ترین منشأ پیدایش فقر، محرومیت، ناهنجاری و تنش‌های اجتماعی است که متأسفانه امروزه دامنگیر کشورها به خصوص جوامع جهان سوم شده است. از لحاظ جرم‌شناسی، بیکاری، یک عامل مؤثر اجتماعی در بروز بزهکاری مورد سنجش واقع می‌شود، زیرا این عامل، در طولانی مدت، تأثیر مخربی بر شخصیت و روحیات فرد بیکار می‌گذارد به طوری که ممکن است بسیاری از کسانی که در شرایط عادی در برابر وسوسه ارتکاب جرم، مقاومت می‌کنند، در شرایط بحران بیکاری دست به ارتکاب عمل مجرمانه بزنند، که این مسئله خود، زمینه مساعدی را جهت توسعه و گسترش جرایم، به خصوص جرایم مالی، ناهنجاری‌های اجتماعی، قاچاق مواد مخدر، قاچاق کالا و...، به وجود خواهد آورد، لذا وظیفه مسئولین و مدیران اجرایی جامعه و کشورهای اسلامی است که با آگاهی از اینکه بین بیکاری و جرم رابطه مهم و مستقیمی وجود دارد، با سرمایه‌گذاری همزمان در امور اجتماعی و اقتصادی در رفع معضلات جامعه بکوشند.

با توجه به مطالب فوق، می‌توان گفت که ایجاد امنیت شغلی از جمله وظایفی است که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر برعهده دولت‌ها نهاده شده است، زیرا تأمین نیازهای اساسی زندگی، مستلزم کسب درآمد و داشتن شغلی مطمئن و درآمدزا می‌باشد. در نظام بین‌المللی، علاوه بر شناسایی حق کار همراه با شرایط منصفانه، حمایت کارگران در مقابل بیکاری بر اساس ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی لحاظ گردیده است. در ماده ۱۳ اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز آمده است:

...هر انسان، آزادی حق انتخاب کارشایسته را دارد به گونه‌ای که هم مصلحت خود و هم جامعه برآورده شود... و نباید او را به کاری که توانش را ندارد واداشت یا اکراه به کاری نمود. (تقی‌پور، ۱۳۹۳: ۱۳۱)

در راستای پیشگیری از فقر نیز ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۱ ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مقرر کرده‌اند که «هرکس حق دارد از سطح زندگی شایسته برای تأمین سلامتی و رفاه خود و خانواده اش از حیث خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و دیگر خدمات اجتماعی لازم برخوردار باشد...» (همان).

۳.۳. محرومیت اجتماعی

یکی از عواملی که باعث بزهکاری افراد شده و سبب می‌شود که عده‌ای به سمت جرم روی آورند، محرومیت اجتماعی است. محرومیت اجتماعی به عنوان واقعیتی جدید همواره مورد توجه اندیشمندان اجتماعی، اقتصادی و حتا سیاسی بوده است.

به لحاظ تاریخی، بررسی علمی مسئله فقر و محرومیت، پس از انقلاب صنعتی و شروع به کار کارخانجات و شکل‌گیری طبقه جدید کارگر در کشورهای صنعتی مورد توجه قرار گرفت. با صنعتی شدن جوامع، بسیاری از مردان و زنان فقیر، از روستاها به شهرهای جدید صنعتی مهاجرت نمودند و به عنوان کارگر در کارخانجات و معادن مشغول به کار شدند. از طرفی چون توان مالی آنان بسیار ضعیف بود مجبور به سکونت در مناطق فقیر و حاشیه شهر شدند. با بروز پدیده حاشیه‌نشینی و وقوع مهاجرت‌های گسترده، از آنجا که برای سکونت این گروه و برآورده نشدن خواسته‌ها و نیازهایشان از قبل، برنامه‌ریزی نشده بود، خودبه‌خود موجب بروز مشکلات و مسائل فراوانی مانند نبود مسکن مناسب، آموزش، بهداشت و... شد که در نتیجه فقر و محرومیت و به دنبال آن، نابرابری‌ها و شکاف طبقاتی به شکل جدید بروز نمود.

در کشورهای توسعه نیافته به دلایل گوناگون، نظیر عدم بسط و تکمیل وسایل ارتباط جمعی، عدم برخورداری اقشار مختلف از آموزش و سواد، وجود نظام‌های مستبد، نبود احزاب و گروه‌های سیاسی، فقدان جامعه مدنی و...، اگر از محرومیت اجتماعی سخن به میان می‌آید، بیشتر جنبه مادی آن مد نظر می‌باشد، نه مسائلی همچون مشارکت مردمی، وجود احزاب و گروه‌ها، آموزش، مطبوعات، رسانه‌های گروهی نیرومند و منزلت اجتماعی و حقوق شهروندی.

لذا طرح مسئله محرومیت اجتماعی در کنار توجه به مسئله فقر و فقرزدایی، قابل توجه و بررسی می‌باشد که متأسفانه کمتر به این موضوع توجه شده است و اگر گام‌هایی هم برداشته شده، موفقیت‌چندانی در این زمینه کسب نشده است. مهم‌ترین راهکار عملی که صورت گرفته، اهدای کمک‌ها و مساعدت‌ها به خانواده‌های فقیر و محروم بوده است که آن‌هم، بیشتر از سوی نهادها و مؤسسات خیریه صورت گرفته است.

در چند سال اخیر با ظهور تعداد محدودی سازمان‌های غیر دولتی (N. G. O) مسئله فقر و محرومیت مورد توجه قرار گرفت، اما به راستی آیا راه رفع یا کاهش محرومیت، تنها کمک و مساعدت‌های خیریه‌ای می‌باشد؟ مهم‌تر اینکه حتی اگر این مساعدت‌ها، راهی برای رفع محرومیت باشد، تنها از نظر مادی فقر و محرومیت را کاهش خواهد داد، ولی محرومیت‌های اجتماعی همچنان باقی خواهد ماند؛ برای رفع این محرومیت‌ها چه باید کرد؟

به همین جهت ضروری به نظر می‌رسد موضوعاتی چون رفاه اجتماعی مورد توجه قرارگیرد و دولت‌ها جهت کاهش فقر و محرومیت و حل معضل محرومیت اجتماعی، برنامه‌ریزی‌های مناسب و سیاست اجتماعی مطلوبی را جهت گسترش رفاه اجتماعی اتخاذ نمایند.

۳.۴. شهرنشینی

یکی دیگر از عواملی که تأثیر زیادی در ارتکاب جرم دارد، «شهرنشینی» است. در کشورهای در حال توسعه که با مازاد نیروی کار در مناطق روستایی مواجه هستند و مهاجرت های بی‌رویه‌ای که از مناطق روستایی به سمت مناطق شهری صورت می‌گیرد، مناطق حاشیه‌نشینی در اطراف کلان شهرها را به وجود می‌آورد. این وضعیت باعث می‌شود که میلیون‌ها انسان با وضعیت ناهنجاری درحاشیه شهرها زندگی کنند که به دنبال این رویداد، هزینه ورود به جرایم کاهش یافته و ورود به آن تسهیل می‌شود. (فطرس و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۸۵)

بر اساس تحقیقات به عمل آمده، نرخ رشد سالانه جمعیت در بیشتر کشورهای جهان سوم حدود ۲ تا ۳٪ است. این درحالی است که نرخ شهرنشینی تقریباً دو برابر آن است. علت افزایش رشد شهرها هجوم امواج عظیم جمعیت مهاجران بیکار روستایی است. روستاهایی که به دلیل مشکل کمبود اشتغال و درآمد، دیگر توانایی حفظ جمعیت خود را ندارند و نتیجه آن مهاجرت مردم به سوی شهرها و ایجاد زاغه نشینی و آلونک‌نشینی می‌باشد. (میرخلیلی، ۱۳۸۷: ۲۹۹)

زندگی شهری ویژگی‌های خاص خود را دارد که گاهی این ویژگی‌ها زمینه‌ساز بروز انحرافات و بزهکاری می‌گردد. برخی از ویژگی‌های جوامع شهری که در ایجاد انحرافات و بزهکاری افراد مؤثر هستند به شرح زیر بیان می‌گردد:

۳.۴.۱. بی‌نامی و گمنامی در شهر

این ویژگی بیانگر وجود قشرهای مختلف است که در یک منطقه شهری زندگی می‌کنند و کمتر همدیگر را می‌شناسند. افراد در چنین مراکزی کمتر باهم در تماس هستند و در مواردی نیز بدون اینکه با نام یکدیگر آشنایی داشته باشند، با هم در ارتباط هستند. اگر آمار جرایم روستایی پایین‌تر از نرخ جرایم شهری است، این امر نه به دلیل مناسب‌تر بودن اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستاها نسبت به شهرهاست، بلکه به دلیل همگونی و یکپارچگی فرهنگی موجود در روستاهاست، به نحوی که اگر فردی مرتکب جرم شود، باید نسبت به آحاد مردم محله پاسخگو و شرمنده باشد و چه بسا این خاطره ارتکاب جرم تا سال‌ها در اذهان مردم باقی بماند. همین امر مانع بزرگی بر سر راه ارتکاب جرم است که متأسفانه در شهرهای بزرگ گمنام بودن خود، یک عامل مؤثر در ازدیاد بزهکاری است.

۳.۴.۲. بحران مسکن

یکی دیگر از مشکلات زندگی شهری بحران مسکن و کاشانه است که در پی رشد سریع جوامع شهری به اشکال مختلفی بروز کرده است. این پدیده که عمدتاً ناشی از مهاجرت بی‌رویه و افزایش جمعیت است، بیشتر دامنگیر اقشار ضعیف‌تر در جامعه است.

۳.۴.۳. فاصله طبقاتی

یکی از مشخصات بارز جوامع شهری فاصله طبقاتی زیاد است. در این گونه جوامع، ثروتمندان از سطح زندگی بالا و تسهیلات فراوانی برخوردارند، درحالی‌که طبقات پایین و متوسط در نقاط شهری با مشکلات گوناگونی به لحاظ اقتصادی، اجتماعی، اسکان، وضعیت فرهنگی و نظایر آن مواجه هستند.

۳.۴.۴. عدم اشتغال

بیکاری و بحران اشتغال نیز تا حد زیادی در جوامع شهری تحت تأثیر پدیده مهاجرت و افزایش بی‌رویه جمعیت به وجود می‌آید. بیکاری هم به لحاظ اینکه موجب فقر و مشکلات مالی و اقتصادی است به عنوان ریشه و علت بزهکاری مطرح است و هم به عنوان ایجاد کننده فرصت موقعیت ارتکاب جرم مورد توجه مباحث پیشگیری وضعی است. (میرخلیلی، ۱۳۸۷: ۲۹۹)

علاوه بر موارد فوق، فقدان نظارت امنیتی، وجود تعداد زیادی افراد نیازمند، سطح پایین سواد، فقدان روشنایی کافی در معابر، وجود مخروبه‌ها و فضاهای خلوت که باعث می‌شود مجرمین در آنجا پناه گیرند و همچنین روی آوردن به مشاغل کاذب همه این موارد از معضلات زندگی شهری است که می‌توانند زمینه بزهکار شدن افراد را در جوامع شهری فراهم کند.

۳.۴.۵. تورم

تورم (inflation) از نظر علم اقتصاد، اشاره به افزایش سطح عمومی تولید پول، درآمدهای پولی یا قیمت است که عموماً به معنی افزایش غیر متناسب سطح عمومی قیمت در نظر گرفته می‌شود. یعنی باید برای خرید کالا و خدمات پول بیشتری پرداخت شود. رابطه تورم و جرم، رابطه مثبتی است، زیرا با فرض ثابت بودن دستمزدها، افزایش تورم، منجر به کاهش قدرت خرید افراد و افزایش هزینه زندگی آن‌ها می‌شود. در چنین وضعی، افراد قادر به حفظ استانداردهای زندگی خود در سطح همانند قبل از افزایش تورم نیستند، بنابراین امکان افزایش میزان جرم وجود دارد. البته ناگفته نماند که

کاهش قدرت خرید مردم به واسطه افزایش تورم، تدریجی است و به همین جهت این اثر سریع اتفاق نمی‌افتد، لذا این احتمال وجود دارد که فرد فقط برای حفظ استاندارد زندگی خود وارد فعالیت‌های مجرمانه شود. (صمدی، ۱۳۹۲: ۱۹۷)

آنچه بیان شد بخشی از عواملی بود که در ارتکاب جرم، مؤثر واقع می‌شد. حال با توجه به اینکه عنوان این پژوهش «تأثیر سبک زندگی اسلامی بر پیشگیری از جرم» می‌باشد، در ادامه به عواملی اشاره خواهد شد که از نظر دین اسلام تأثیر بسزایی در کاهش و جلوگیری از جرم دارد.

۴. آموزه‌های اسلامی و تأثیر آن بر پیشگیری از جرم

باگذشت زمان، حقوق‌دانان با تلاش‌ها و تحقیقات خود به برخی از عوامل و نتایجی که اسلام برای جلوگیری و کاهش جرم بیان کرده است، رسیده‌اند و این موضوع می‌تواند رویکرد مثبتی برای جرم‌شناسی محسوب شود. آنان پس از تحقیقات و مطالعات گسترده در نهایت به یک‌سری از عواملی که می‌تواند در تشکیل شخصیت انسان تأثیر گذاشته و باعث کاهش و در نتیجه پیشگیری از بزهکاری در افراد شود، اعتقاد پیدا کرده‌اند (علیزاده، ۱۳۸۲: ۸۱) که در ادامه به بخشی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۴.۱. عوامل تأثیرگذار قبل از تولد

آنچه که در سیر تحول جرم‌شناسی و ادوار گوناگون آن، ذهن جرم‌شناسان را به خود مشغول نموده است، جنبه زیست‌شناسی پدیده جنایی می‌باشد. به طوری که پژوهش‌های بسیاری در این زمینه انجام شده و همیشه دانشمندان به دنبال پاسخ این سؤال بودند که آیا رفتارهای جنایی رابطه‌ای با وراثت دارد یا خیر؟ نتیجه تحقیقات آنان این بود که وراثت اگر چه علت تامه برای بزهکاری محسوب نمی‌شود، اما بدون ارتباط و تأثیر نیز نمی‌باشد و می‌تواند در شخصیت بزهکار اثر بگذارد، به گونه‌ای که «زمینه» او را سست و نا پایدار ساخته و شخص را در تحول و شکل‌گیری شخصیتش و همچنین در برابر تأثیرات جرم‌زای محیطی حساس‌تر کند. (علیزاده، ۱۳۸۲: ۸۲)

در روزگاری که بشر اطلاعات چندانی از زیست‌شناسی، علم ژنتیک، چگونگی پیدایش جنین و انتقال خصوصیات والدین به فرزندان نداشت، معارف وحیانی و ربوبی اسلام، با لسان آیات و روایات و تعابیر بسیار ساده و روان، اذهان اندیشمندان را به سوی موضوعات مهمی در این باره رهنمون ساخت و صاحبان اندیشه را نسبت به موضوعاتی از قبیل توارث و تأثیر آن در خلقت انسان و بقای نسل، انتقال خصوصیات والدین از طریق وراثت، تغییر وضع ژن‌ها و ایجاد جهش در ترکیب ژنتیکی فرد و همچنین اعمال و

رفتارهای والدین که می‌تواند روی شخصیت فرزند تأثیرگذار باشد آگاه ساخت. در ادامه توجه خوانندگان را به بخشی از اعمال و وظایفی که دین اسلام به عهده والدین گذاشته جلب می‌کنیم.

۴. ۱. ۱. عنصر زمان

در منابع روایی، یکی از عوامل و عناصری که بر فرآیند ژنتیک و تشکیل شخصیت فرزند ناشی از آن مؤثر شناخته شده، عنصر زمان است که با حکم تکلیفی استحباب، نهی و کراهت، به والدین سفارش شده تا برای برقراری ارتباط جنسی، برخی از زمان‌ها را انتخاب و یا از برخی از زمان‌ها پرهیز کنند. مثلاً پیامبر اسلام ﷺ به حضرت علی رضی الله عنه سفارش نمودند: «یا علی! با همسرت در اول، وسط و آخر ماه (قمری) جماع مکن، ترس آن است که فرزند کسی که چنین کند، دیوانه و ابله به دنیا آید» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق: ۹۰) لذا وظیفه والدین است که با توجه به دستورات دین اسلام و برنامه‌ریزی صحیح، نسبت به این مهم توجه بیشتری داشته باشند.

۴. ۱. ۲. پرهیز از غذای حرام

دومین عامل که در تشکیل شخصیت فرزند تأثیر بسزایی دارد، پرهیز از غذای حرام است. این مسئله در شرع مقدس اسلام تأکید فراوان شده به طوری که خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکون تجارة عن تراض منکم﴾؛ ای اهل ایمان مال یکدیگر را به ناحق نخورید مگر اینکه تجارتي از روی رضایت باشد. (نساء: ۲۹)

با توجه به آیه فوق، وظیفه والدین به خصوص مادران است، چه در زمان بارداری و چه قبل از آن، باید سعی نمایند که از خوردن مواد غذایی حرام و نجس امتناع کنند، زیرا لقمه حرام تأثیر عجیبی روی شخصیت فرزند می‌گذارد. به عنوان مثال در بعضی از کتب تاریخی نقل شده که وقتی طفل خردسالی مشک سقایی را که از راه فروش آب، امرار معاش می‌کرد، پاره نمود، پدر آن طفل که مرد عالم و دانشمندی بود از همسرش پرسید که چرا پسرم چنین کاری انجام داده درحالی که من در تربیت او کوتاهی نکردم؟ همسرش جواب داد: من در زمان بارداری با سوزن، اناری را که مال دیگری بود سوراخ کرده و مقداری از آب آن را چشیدم، ممکن است علت آن، چشیدن مقداری از آب آن اناری است که مال دیگری بوده است. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که سوراخ کردن مشک

توسط طفل، عکس العمل مستقیم خوردن مال حرام توسط مادر، در دوران بارداری بوده است. (شامبیاتی، ۱۳۹۵: ۱۷۹)

وقتی امام حسین علیه السلام در روز عاشورا برگشت به خیمه‌ها درحالی که سنگی به پیشانی مبارکش اصابت کرده بود، خواهرش (زینب) پرسید: برادرم مگر خودت را معرفی نکردی؟ فرمود: خودم را معرفی کردم، اما چون شکم‌هایشان از حرام پر شده است، حرف حق در این‌ها تأثیری ندارد. (مظاهری، ۱۳۸۰: ۴۵) این مطالب بیانگر این موضوع است که لقمه حرام تأثیر بسزایی در تشکیل شخصیت انسان دارد.

۴.۱.۳.۱. دعا کردن

عامل سوم که در منابع روایی به فرآیند ژنتیک و تشکیل شخصیت فرزند ناشی از آن، مؤثر شناخته شده عامل دعا است که با حکم تکلیفی استجاب به والدین سفارش شده است، هنگامی که می‌خواهند با یکدیگر ارتباط جنسی برقرار کنند، ابتدا دعا کنند و حتا چگونگی آن آموزش داده شده است. مثلاً امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «هرگاه می‌خواهی با همسرت ارتباط جنسی برقرار کنی، بگو: خدایا به من فرزندی که در خلقتش زیادی یا نقصانی نباشد، روزی کن و او را پرهیزگار و با هوش قراربده و سرانجام زندگی او را نیک بگردان». (جرعاملی، ۱۴۱۴ق: ۲۸)

۴.۱.۴. دوری از صفات رذیله

چهارمین عامل تأثیرگذار بر روی ژنتیک و تشکیل شخصیت فرزند، دوری از صفات رذیله می‌باشد. چنان که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «السعيد من سعد فی بطن امه والشقی من شقی فی بطن امه؛ یعنی خوشبخت کسی است که در شکم مادر خوشبخت باشد و بدبخت کسی است که در شکم مادر بدبخت باشد».

به نظر نگارنده، هر چند که سرنوشت هر شخصی بدست خودش رقم می‌خورد، چون خداوند انسان را مختار آفریده، ولی شالوده شقاوت و سعادت، در شکم مادر ریخته می‌شود. از زمانی که نطفه فرزند در رحم مادر منعقد می‌شود با روحيات مادر، بزرگ شده و پرورش می‌یابد. بنابراین، مادر، باید مواظب باشد تا صفات رذیله نداشته باشد چون تمام صفات مادر، به فرزند منتقل می‌شود. (مظاهری، ۱۳۸۰: ۶۶) به همین جهت اسلام سفارش اکید بر ازدواج با خانواده‌هایی دارد که دارای اصل و نسب بوده و از مکارم اخلاق بهره برده باشند. چنان که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «از خضراء دمن بپرهیزید! سؤال شد یا رسول الله خضراء دمن چیست؟ فرمود: زن زیبایی که از خانواده بد و پلید به وجود آمده باشد». (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۵۴)

۴. ۱. ۵. دوری از هیجان‌ات روحی

پنجمین عاملی که بر روی ژنتیک و تشکیل شخصیت فرزند تأثیر می‌گذارد، هیجان‌ات روحی است. زن باردار، باید از هیجان‌ات روحی، اضطراب، استرس و هرگونه ناراحتی دور نگه داشته شود. زیرا:

زمانی که مادر، دستخوش هیجان می‌گردد، جنین فعالیت شدیدی از خود نشان می‌دهد و این رفتار، مدت طولانی ادامه می‌یابد. دلیل فیزیولوژی این کیفیت، به واسطه ترشحات هورمون‌هایی است که در هیجان‌ها مؤثرند. هنگام، خشم، غدد داخلی به خصوص فوق کلیوی، فعالیت می‌کنند و ترشحات آن‌ها از راه جفت به جنین منتقل می‌شود. در نتیجه گردش خون جنین دچار اختلال می‌گردد و سبب فعالیت بیشتر او خواهد شد... هنگام تولد، این نوزاد از هرجهت عصبی است، زیرا نتیجه محیط نامناسب جنینی می‌باشد. (کی‌نیا، ۱۳۷۰:۱۳۷)

با توجه به مطالب فوق، نتیجه می‌گیریم نوزادی که درچنین شرایطی متولد شود، احتمال بزهکار شدن آن به مراتب بیشتر است.

۴. ۲. عوامل تأثیرگذار بعد از تولد

کودکان برای همهٔ انسان‌ها عزیز و گرامی هستند. والدین نه تنها فرزندان خود را دوست دارند، بلکه بر پایه عواطف انسانی به تمام کودکان با مهر و محبت می‌نگرند و هرگاه لازم باشد از آنان حمایت می‌کنند. آنچه مهم است این است که دین اسلام نیز بر این مسئله تأکید فراوان دارد، زیرا آینده بشریت به نحوه تعلیم و تربیت و انسانیت آنان بستگی خواهد داشت. به همین جهت آنان را مورد توجه خاص قرار داده و شایسته حمایت‌ها و مواظبت‌های بیشتری دانسته است. در ادامه به پاره‌ای از توصیه‌های که اسلام برای والدین داشته و در پیشگیری از بزهکاری فرزندان مؤثر می‌باشد، پرداخته می‌شود.

۴. ۲. ۱. ایجاد محیطی آرام و سالم در خانواده

از هنگامی که نوزاد چشم به جهان می‌گشاید به محبت، توجه، لبخند و مواظبت نیازمند است. محیط امن و آرام در خانواده برای هر کودک و نوجوانی باید بر اثر توجهات والدین و محبت آنان نسبت به یکدیگر به وجود آید تا فرزندان بتوانند بدون هیچ‌گونه ناراحتی در محیطی مناسب دوران طفولیت و نوجوانی خود را سپری کنند. برخوردهای صمیمانه همراه با احترام میان پدر و مادر در تربیت فرزند بسیار مؤثر است. اگر در مواردی

مشکلات و مسائلی در روابط والدین وجود داشته باشد، لازم است این مسائل را نزد فرزندان آشکار نکنند، زیرا اگر احیاناً یکی از والدین یا هر دو به انتقاد و بدگویی از طرف مقابل بپردازد، یا پدر، مادر را نزد فرزندان مورد اهانت قرار داده یا تحقیر کند یا اینکه مادر، شخصیت پدر را نادیده بگیرد، چگونه می‌توان از فرزندان انتظار داشت تا به والدین و دیگران احترام بگذارند؟ (شامبیاتی، ۱۳۹۵: ۲۶۱) پس باید در خانواده سعی شود با گذشت و سازش، روابط صمیمانه را روزبه‌روز مستحکم‌تر ساخته و با انتظارات نامعقول و سخت‌گیری نابه‌جا، صمیمیت را به سردی و بی‌تفاوتی و احیاناً خصومت و درگیری تبدیل نکنند که در این صورت اولین کسی که ضربه خواهد خورد، فرزندان معصوم و بی‌گناه می‌باشند.

۴.۲.۲. تأمین نیازهای مادی و معنوی فرزندان

یکی از عوامل تأثیرگذار در پیشگیری از بزهکاری فرزندان، تأمین نیازهای مادی و معنوی آنان است. همه کودکان باید از تغذیه، پوشاک و تفریحات مناسب برخوردار باشند، زیرا اگر کودک و نوجوان احساس کند که نیازهای مادی و معنویش، به میزان دیگر کودکان و نوجوانان برآورده نمی‌شود، نوعی سرکشی و ستیزه‌جویی در او به‌وجود خواهد آمد.

امروزه اکثر کودکان در فضای تنگ آپارتمان‌ها اسیر شده و محل ورزش و تفریح آنان در محوطه اتاق‌ها، کوچه‌ها یا خیابان‌ها است. تنهایی، بی‌کاری، نداشتن تحرک و فعالیت، نداشتن سرگرمی‌هایی که توجه و علاقه طفل و نوجوان را به خود جلب کند، از عوامل ایجاد انحراف و بزهکاری است، زیرا در این سنین کودکان و نوجوانان از انرژی فراوانی برخوردارند که باید به گونه سالم صرف شده و در وجود آن‌ها انباشته نشود. به همین جهت باید به تناسب امکانات خانواده، تدابیری اندیشیده شود تا کودکان و نوجوانان اوقات فراغت خود را به ویژه در ایام تعطیل در راه‌های مفید و سالم صرف کنند.

لذا عادت دادن آنان به مطالعات سالم و سازنده، مشغول نمودن آنان به ورزش‌ها و تفریحات سالم و دورنگه داشتن آنان از سرگرمی‌های که باعث آلوده شدن فکر و روحشان می‌شود بسیار مفید و ثمر بخش است، زیرا رعایت موارد فوق، نوجوانان را هم از مفاسد بیکاری، بطالت و کشیده شدن به سمت بزهکاری در امان نگه داشته و هم مهارت‌ها و آموزش‌های مفیدی را که به درد زندگی آینده آنان می‌خورد، فرا می‌گیرند. (شامبیاتی، ۱۳۹۵: ۲۷۳)

۴.۲.۳. تحت تعلیم و تربیت صحیح قراردادادن فرزندان

بعد از محیط خانواده، محیط مدرسه می‌تواند از عوامل تأثیرگذار در پیشگیری از بزهکاری فرزندان باشد. چون مدرسه اولین محیط اجتماعی است که کودک و نوجوان ناچار است خود را با نظم و قوانین آن هماهنگ سازد. این نظم و ترتیب مسلماً از قوانین و مقررات حاکم در خانواده رسمی‌تر و اطاعت از آن لازم است. مدرسه به عنوان یک واحد کنترل اجتماعی علاوه بر اینکه به دانش‌آموز رعایت نظم و مقررات را می‌آموزد، همچنین به آنان یاد می‌دهد که با تلاش و کوشش و رفتار مناسب است که می‌تواند پاداش مناسب بگیرد. در اهمیت تعلیم و تربیت همین بس که شکوفا شدن استعدادها و به فعلیت رسیدن قوای آدمی و تحقق گوهر وجود او، در گرو آن است و تعلیم و تربیت صحیح، در حقیقت شرط لازم کمال آدمی است. با توجه به آیه قرآن که می‌فرماید: ﴿أَوْ مِنْ كَانِ مَيْتًا فَاحْيِينَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زَيَّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾؛ آیا کسی که (از نظر عقلی و روحی) مرده بود ما او را (به نیروی علم و ایمان) زنده کردیم و برای او، نوری (از دانش) قرار دادیم تا بوسیله او در میان مردم حرکت کند، مانند کسی است که در تاریکی جهل فرو رفته و راهی به خارج ندارد؟ (انعام: ۱۲۲)

می‌توان گفت هدایت و رشد صحیح فردی و اجتماعی و پرورش استعدادهای آدمی، منوط به تعلیم و تربیت صحیح است. اگر آدمی زیر نظر مربیان الهی تربیت شود، فرشته‌خو می‌گردد و گاه از فرشتگان فراتر می‌رود و گرنه به قهقرا رفته و به مرتبه حیوانات و پایین‌تر از آن تنزل خواهد کرد.

نظر به اهمیت تعلیم و تربیت، بزرگان علم اخلاق، تعلیم و تربیت را «اشرف صناعات» و برترین دانش‌ها دانسته‌اند. ثمره تعلیم و تربیت صحیح، به اصلاح فرد منحصر نمی‌شود، بلکه جامعه را هم متحول می‌کند. با نگرش دقیق ساختار روحی و روانی انسان، ضرورت و اهمیت تعلیم و تربیت صحیح، رُخ می‌نماید، زیرا کمال و سعادت انسان، در پرتو تلاش و حرکت و تعلیم و تربیت به دست می‌آید. تربیت یا آموزش و پرورش، با رشد و تکامل، رابطه تنگاتنگی دارد، یعنی رشد و تکامل، باعث ظهور استعدادها می‌شود. آموزش و پرورش، آن‌ها را تحقق بخشیده و جهت می‌دهد. (شعاری نژاد، ۱۳۷۵: ۳۳۸)

۴.۴.۲. نظارت و کنترل در استفاده از اینترنت

اینترنت از جمله تکنولوژی‌هایی است که پیش از آنکه والدین و کودکان آماده مواجهه با آن باشند، بی‌هوا به زندگی ما وارد شد. این تکنولوژی در کنار تمام آسیب‌های بالقوه‌ای که می‌تواند داشته باشد، بستری فوق‌العاده برای به اشتراک گذاشتن دانش و تجربه‌های

بشری است. می‌توان با آموزش استفاده از این تکنولوژی به کودکان، آن‌ها را خلاق، کنجکاو و توانمند نمود. برای توفیق یافتن در این خصوص، والدین باید در ابتدا به این نکته توجه داشته باشند که کودکان‌شان نباید بیشتر از آن‌ها به اینترنت و ابزار مرتبط با آن، اشراف داشته باشند، اما این بدان معنی نیست که مانعی برای یادگیری کودکان در این حوزه باشید تا آنان همواره کمتر از شما بدانند، بلکه می‌بایست با وجود مرارت‌هایی که ممکن است به اقتضای سن و مشغله‌های ذهنی برای یادگیری شما وجود داشته باشد، همواره به دنبال بالا بردن دانش خود از اینترنت باشید، زیرا تا زمانی که ندانید اینترنت چیست و چه ویژگی‌هایی دارد، چگونه می‌توان از آن بهره برد، نمی‌توانید وساطت کننده خوبی برای کودکان به منظور مواجهه با دنیای مجازی باشید.

یکی از ویژگی‌های قابل توجه اینترنت، قدرت جذب مخاطبان در رده های سنی متفاوت است. تعداد بسیار زیادی از کاربران اینترنت را کودکان و نوجوانانی تشکیل می‌دهند که با علاقه بسیار زیاد ساعت‌های متمادی از وقت خود را صرف استفاده از اینترنت می‌نمایند. اینترنت می‌تواند مکانی بزرگ برای کودکان و نوجوانان به منظور انجام فعالیت‌های سودمندی نظیر آموزش، سرگرمی، ارتباط با دوستان هم‌کلاسی و سایر موارد دیگر باشد. از طرف دیگر، اینترنت نیز همانند دنیای واقعی، می‌تواند به محلی خطرناک برای کودکان و نوجوانان تبدیل شود.

آیا فرزندان ما با نحوه استفاده ایمن از اینترنت آشنا شده‌اند؟ مسئولیت این کار بر عهده کیست؟ بدون شک، والدین دارای نقشی اساسی در این رابطه می‌باشند. آنان می‌بایست قبل از اینکه به فرزندان خود اجازه استفاده از اینترنت را بدون نظارت خاصی بدهند، مجموعه قوانین و توصیه‌های لازم به منظور استفاده ایمن از اینترنت را به آنان آموزش دهند.

۴. ۲. ۵. دقت و نظارت در انتخاب دوست

«دوستی» کلمه ارزشمندی است و هرکس را نمی‌توان «دوست» نامید. پس این طور نیست که هرکس به انسان لبخندی زد و ادعای دوستی و رفاقت نمود، لایق عنوان ارزشمند «دوست» باشد، بلکه دوست خوب و شایسته، صفات و ویژگی‌هایی دارد. دوست آن کسی است که انسان را در راه دینش یاری دهد. دوست انسان کسی است که او را از بدی‌ها باز دارد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

اگر خواستی دوستی انتخاب کنی، با کسی دوست شو که باعث افتخارت باشد... اگر در دوست خود این سه خصلت را دیدی به او امید داشته باش؛ حیا، امانت و راستی. بر تو باد یاران راستگو، پس بسیار با آنان دوستی کن

چرا که آن‌ها ذخیره‌اند هنگام رفاه و سپر بلایند هنگام تنگدستی، و در سخنان با کسی مشورت کن که از خدا بترسد و دوستان را به اندازه تفوایشان دوست بدار.

همچنین حضرت علی علیه السلام فرمود: «دوست واقعی نیست مگر اینکه در سه وقت برادر خود را حفظ کند و او را از یاد نبرد؛ در گرفتاری، پشت سر و پس از مردنش». لذا بر والدین لازم است تا متوجه باشند فرزندان‌شان با چه افرادی ارتباط برقرار کرده و با آنان دوست می‌شوند تا افراد سالم و صالحی باشند و فرزندان‌شان را به سوی بزهکاری و جرم سوق ندهند.

۳.۴. عوامل تأثیرگذار بعد از بلوغ

یک‌سری از عواملی که باعث می‌شود با رعایت و به‌کارگیری آن‌ها در زندگی، تأثیر بسزایی در پیشگیری و کاهش ارتکاب جرم داشته و خود انسان باید آن‌ها را یاد گرفته و در زندگی فردی و اجتماعی خود پیاده کند، عوامل زیر می‌باشند:

۳.۴.۱. اعتقاد به خداوند

ایمان به خدا و اعتقاد به حضور او و اینکه همه ما، در هر شرایطی در محضر خدا هستیم، از اساسی‌ترین عوامل پیشگیری از گناه (جرم) است. نقشی که این عقیده در جلوگیری انسان از گناه و سرکوب غرایز حیوانی دارد، هیچ چیز دیگر، چنین اثر و نقشی ندارد. قدرت ایمان به خدا و یاد او، در ریشه‌کن نمودن جرم، از همه قدرت‌ها نیرومندتر است. سازمان‌های پلیسی و مؤسسات اصلاحی، هرچند قوی و گسترده باشند، قادر به جلوگیری از گناهان (جرایم) مخفی نیستند، ولی ایمان درونی می‌تواند نقش مهمی در بازدارندگی انسان از گناهان آشکار و پنهان ایفا کند. بر همین اساس در آیات و روایات، بر نقش ایمان برای بازدارندگی از گناه، بسیار تکیه شده است. (توسلی و صادقی، ۱۳۹۴: ۵۲) آیاتی از قرآن کریم نیز به این مطلب که خداوند شاهد و ناظر اعمال انسان است، هشدار داده است:

- ﴿الم يعلم بأن الله يرى﴾؛ آیا انسان نمی‌داند که خداوند همه اعمالش را می‌بیند؟ (علق: ۱۴)

- ﴿ان ربك لبالمرصاد﴾؛ قطعاً پروردگارت در کمینگاه است. (فجر: ۱۴)

- ﴿يعلم خائئة الاعين وما تخفي الصدور﴾؛ خداوند چشم‌های را که به خیانت گردش

می‌کند می‌داند و بر آنچه در سینه‌ها پنهان است آگاه می‌باشد. (غافر: ۱۹)

همه این آیات گویای این مطلب است که ما در محضر خداوند هستیم و در پنهان و آشکار هر کاری بکنیم، اطلاع دارد. حتا به تصورات ذهنی ما آگاه بوده و همیشه در کمین انسان گناهکار است.

۴. ۳. ۲. اعتقاد به معاد

ایمان به معاد، یعنی ایمان به یک زندگی ابدی؛ یعنی ایمان به دریافت کیفر و پاداش اعمالی که ما در دنیا انجام داده‌ایم؛ یعنی هیچ کدام از کارهای نیک و بد ما، نه تنها نابود نشده بلکه انسان در گرو اعمال خود است و در روز رستاخیز با عملکرد خود مواجه می‌شود. چنان که خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: ﴿يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾؛ روزی که هرکسی آنچه کار نیک به جای آورد و آنچه بدی مرتکب شده حاضر شده می‌یابد و آرزو می‌کند کاش میان او و کارهای بد فاصله دور بود و خداوند شما را از کیفر خود می‌ترساند و خدا به بندگان خود مهربان است. (آل عمران: ۳۰)

باتوجه به آیه فوق، اگر انسان معتقد به وجود روز قیامت بوده و بداند که آنچه در این دنیا انجام داده، به خصوص به خاطر اعمال زشت و ناپسند باید در پیشگاه خداوند جوابگو باشد، هرگز مرتکب گناه (جرم) نخواهد شد، زیرا آنچه در انسان قدرت مقاومت در برابر لغزش‌ها و جرایم را ایجاد می‌کند، ایمان و اعتقاد راسخ به خداوند و روز قیامت است. وقتی کسی به جهان آخرت یقین داشته و خود را در پیشگاه خداوند مسئول دید، همواره مراقب اعمال خویش بوده و نیازی به مراقبت پلیس و ترس از قوانین ندارد.

۴. ۳. ۳. اقامه نماز

امروزه یکی از روش‌های رایج برای درمان و اصلاح بزهکاران و پیشگیری از وقوع جرم در بیشتر کشورهای دنیا، شیوه «مذهب درمانی» است و یکی از بهترین عوامل بازدارنده از ارتکاب جرم که اثر بسیار مهمی دارد، عامل نماز است. زمانی که در جامعه‌ای نقش مذهب و عوامل معنوی پر رنگ می‌شود، بی‌شک میزان جرم و جنایت نیز کاهش می‌یابد به گونه‌ای که در بررسی و تحقیقات صورت گرفته مشخص شده است که غالب مجرمان افرادی دور شده از دین هستند و در خانواده‌های پرورش یافته‌اند که ارزش‌های معنوی در آن‌ها کم‌رنگ شده و ارزش‌های مادی جای آن را گرفته است.

در اسلام انجام اعمال عبادی همچون نماز، از جمله راهکارهایی است که می‌تواند نقش بازدارنده در ارتکاب جرایم داشته باشد. مهم‌ترین اثری که برای نماز بر می‌شمرند، بازدارندگی و دوری از گناه و جرم، از جمله جرایم مالی مانند سرقت است که اگر در

جامعه‌ای رواج پیدا کند، بسیاری از هنجارهای اجتماعی شکسته می‌شود، اما نماز انسان را از این عمل زشت باز می‌دارد. (قبادیان و روشن پور، ۱۳۹۵: ۴۷)

نماز به‌عنوان یک عامل تربیتی، نمازگزار را به سوی درستی و صحت سوق داده و قوه تشخیص را در او بارور ساخته و این امکان را به او می‌دهد که راه صواب را انتخاب کرده و در هنگام مواجهه با گناه به او هشدار داده و از ارتکاب معصیت دور نگه می‌دارد. چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿واقم الصلاة ان الصلاة تنهى عن الفحشاء والمنکر﴾؛ نماز را بر پا دار، بدرستی که نماز، بازدارنده از فحشا و منکر است. (عنکبوت: ۴۵)

۴.۳.۴. انفاق و احسان

یکی دیگر از آموزه‌های اسلامی که دارای اثر بازدارندگی از جرم است، انفاق مال به افراد نیازمند است، زیرا به تجربه ثابت شده است که سهم قابل توجهی از آمار جرایم، به ویژه جرایم مالی، ناشی از فقر و محرومیت‌های مادی شخص مرتکب جرم است. هرچند که عامل فقر، تنها علت جرم نیست، ولی نقش عمده‌ای در وقوع جرم ایفا می‌کند و در شرایطی می‌تواند منشأ سوق دادن فرد فقیر به طرف جرم شود. از این رو در آیات قرآن کریم برای رفع محرومیت و تأمین نیازمندی‌های طبقات محروم جامعه راه‌های خاصی در نظر گرفته شده که عمده‌ترین آن‌ها انفاق مال است، بدین معنی که انسان از آنچه که افزون به نیاز خود دارد، به نیازمندان انفاق کند. (توسلی و صادقی، ۱۳۹۴: ۵۷)

انفاق، آثار فردی و اجتماعی متعددی دارد. اثر فردی آن، تقرب به خداوند و بخشیده شدن گناهان است که در آیات متعددی به آن اشاره شده است. از جمله می‌فرماید: ﴿ان تنالو البرحتى تنفقوا ممّا تحبون...﴾؛ هرگز به نیکی (قرب‌الهی) نمی‌رسید مگر از آنچه که دوست دارید در راه خدا انفاق کنید. (آل عمران: ۹۲) و همچنین می‌فرماید: ﴿ان تبدو الصدقات فنعما هی و ان تحفوها و توتوها الفقراء فهو خیر لکم و یکفر عنکم سیئاتکم والله بما تعملون خبیر﴾؛ اگر صدقه‌ها را آشکار کنید، کاری نیکو است و اگر آن‌ها را پنهان داشته و به تهیدستان دهید، برای شما بهتر است و خداوند گناهانتان را محو می‌کند و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (بقره: ۷۱)

از آثار اجتماعی انفاق، می‌توان حل مشکل فاصله طبقاتی، اصلاح جامعه و جلوگیری از وقوع جرم را بیان نمود، زیرا بسیاری از جرایم، ریشه در فقر دارد. اگر در جامعه‌ای روح تعاون و کمک در آن حاکم باشد و مردم فقرا را در اموال خود شریک دانسته و برای آن‌ها، حقی قابل باشند، شاهد کاهش چشمگیر جرایم از جمله جرایمی که ریشه در مشکلات مالی دارد، خواهیم بود.

۴.۳.۵. دوری از تجملات

از جمله عواملی که در ساختن شخصیت انسان اثر قابل ملاحظه‌ای دارد و در دوران بلوغ و جوانی به صورت‌های مختلف آشکار می‌گردد، وضع اقتصادی و مالی خانواده‌هاست، زیرا خانواده‌هایی که وضع مالی عادی داشته و تمایلاتشان به اندازه باشند، اگر با موانع دیگری روبه‌رو نشوند، شخصیت‌شان به خوبی پرورش خواهند یافت، اما خانواده‌هایی که با ثروت بی‌حساب خود به خواسته‌ها و تمایلات نابه‌جای فرزندان‌شان جامه عمل پوشانده و زمینه خودخواهی و هواپرستی آنان را فراهم نمایند، نتیجه‌ای جز انحراف آنان در بر نخواهد داشت. (حیدری نراقی، ۱۳۸۴: ۷۲) چنان که خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّا غَافِلٌ إِنَّهُ أَنشَأَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ وَإِنَّ كَرِهُوا حُرَّادًا وَهُوَ كَرِيمٌ﴾؛ انسان به سرکشی و طغیان می‌گراید وقتی خودش را غنی و بی‌نیاز می‌بیند. (علق: ۶)

ضمن اینکه پرهیز از تجملات و تشریفات ظاهری دنیا، شیوه پیامبران و اولیای الهی و بندگان خالص خداوند است. امروزه با توجه به شرایط اقتصادی مردم، روش مؤثری برای مقابله با تهاجم فرهنگی نیز می‌باشد که از طریق رسانه‌های جمعی باید به مردم آموزش داده شود.

۴.۳.۶. صبر و بردباری

از دیگر عواملی که در کاهش و یا پیشگیری از جرم می‌تواند نقش مهمی داشته باشد، صبر و بردباری است، زیرا هرگاه انسان در برابر مشکلات، به ویژه مشکلات مالی و اقتصادی صبر پیشه کرده و این صفت را در خود تقویت کند، مسلماً بر مشکلات پیروز خواهد شد. چون صبر از نشانه‌های ایمان و توکل بر خداست و مبادرت به آن جزای بهشت را دارد. در واقع در ساختار شخصیت آدمی چنان تأثیری می‌گذارد که حرکت به سوی کمال را سرلوحه امور خود قرار می‌دهد و در چنین مسیری که سیر الی الله است، بزه و بزهکاری جایگاهی نخواهد داشت. (توسلی و صادقی، ۱۳۹۴: ۶۴)

زندگی انسان در دنیا آمیخته با مشکلات و تعارض‌های فراوانی است. اگر انسان در برابر آن‌ها بایستد و صبر و مقاومت داشته باشد، حتماً پیروز خواهد شد و اگر ناشکیبایی کند و در برابر حوادث ناگوار زانو بزند، هیچ‌گاه به مقصد نخواهد رسید. از این‌رو، در منابع دینی صبر و پیروزی قرین هم شمرده شده‌اند. صبر به فرد امکان می‌دهد در زمان مناسب، رفتار و واکنش مناسب و متناسب با رفتار فرد خطا کار از خود نشان دهد. طبیعی است که در یک خانواده، به علت همراهی طولانی مدت اعضای آن، اختلافاتی پیش می‌آید و اگر هر عضوی بخواهد فقط به خواسته‌های خود بیندیشد و به دنبال رسیدن به

آن‌ها و ارضای نیازهای فردی باشد و در مقابل کمبودها از خود بی‌صبری نشان دهد، نمی‌تواند به خوشبختی و اهداف خود برسد.

فرزندانی که در خانواده‌های بی‌صبر و عجول پرورش یافته‌اند، در اجتماع نیز دچار مشکل می‌شوند، زیرا همیشه و در همه جا شرایط فراهم نیست که خواسته‌های آن‌ها برآورده شود. شخصی که صبر ندارد، می‌پندارد هرچه در اجتماع خواست، فوراً در اختیارش قرار می‌گیرد، اما وقتی به خواسته‌های خود نرسد، در مقابل اجتماع واکنش‌های نامطلوب از خود نشان می‌دهد و این امر در بسیاری از موارد موجب دردسر برای فرد و خانواده‌اش می‌شود، بنابراین صبر، نه تنها عامل تضمین کارآمدی خانواده است، بلکه کارآمدی جامعه انسانی را نیز تأمین می‌کند. اینکه خداوند می‌فرماید صبر عامل پیروزی مجاهدان است، تنها ثمره منحصراً به جبهه جنگ و مجاهدان نیست، بلکه در همه عرصه‌های زندگی، انسان به صبر و مقاومت نیاز دارد تا به پیروزی برسد. پیروزی در خانواده بدین معناست که انسان با تشکیل خانواده کارآمد، به کمال و بالندگی برسد. (همان: ۶۶)

۴.۳.۷. قناعت

قناعت، یکی از ویژگی‌های افراد با ایمان و از امتیازات انسان‌های با فضیلت است. افراد خودساخته و وارسته که دارای روحیه قناعت و عزت هستند، در پرتو این روحیه عالی هیچ‌گاه چشم طمع به مال و منال دیگران ندوخته و برای کسب مال و مقام شخصیت خود را خرد نکرده و برای به دست آوردن آن دست به هر کاری نمی‌زنند. افراد قانع، در زندگی به مقدار ضرورت و کفاف بسنده کرده و به کمتر از آن هم خوشنودند. مهم‌ترین بارزه صفت قناعت، همان رضایت خاطر و روحیه بالای انسان‌های قانع، نسبت به مقدرات عالم است.

قناعت از مکارم اخلاق و از خصایص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. (قلی پور مازندرانی، ۱۳۸۵: ۲۴۳) ما هم به پیروی و تأسی از آن بزرگوار که اسوه و الگوی ما است، باید خود را به این صفت متصف کنیم، زیرا امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «من قنع بما رزقه الله فهو من اغنی الناس؛ هر کس به آنچه خداوند روزی کرده قناعت کند، از بی‌نیازترین مردمان است.» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۳۹) بنابراین اگر انسان‌ها صفت قناعت را در خودشان تقویت کرده و عزت نفس داشته باشند، نه تنها به سراغ جرم و بزهکاری نرفته، بلکه زندگی خوب و آرامی را نیز می‌توانند تجربه کنند.

نتیجه گیری

در این پژوهش سعی بر آن بود تا ضمن بیان مباحثی از تأثیرسبک زندگی اسلامی بر روی افراد، خانواده و جامعه سخن گفته شود و اینکه سبک زندگی اسلامی چگونه می تواند مانع از بزهکار شدن افراد شده و در نتیجه باعث پیشگیری از ارتکاب جرم شود، مطالب و راهکارهایی را بیان نمودیم. همچنین بیان شد که عوامل مختلفی از جمله فقر، بیکاری، محرومیت اجتماعی، شهرنشینی، تورم، و... در ارتکاب جرم، از جمله جرایم مالی تأثیرگذار است. برای اینکه بتوانیم در کاهش و جلوگیری از ارتکاب جرم برنامه ریزی داشته و آن را با موفقیت اجرا کنیم، بهترین راه، عمل به دستورات و آموزه های اسلام است. محتوای دین و آموزه های آن، اموری است که اگر به طور صحیح و در چارچوب دین بیان شده و به درستی برای مردم در جامعه تحقق یابد، آن جامعه را به میزان زیادی از ناهنجاری ها و انحراف ها دور نگه خواهد داشت.

دین اسلام به افراد و خانواده ها می آموزد که در مرحله اول، این پدر و مادر است که قبل از تولد فرزند با انجام یک سری دستورات، از قبیل دعا کردن قبل از عمل زناشویی، از خداوند بخواهند تا برای آن ها فرزند صالح و با تقوا عنایت کند و دیگر اینکه از خوردن لقمه حرام و شبهه ناک پرهیز نموده و همچنین از مجامعت در زمان هایی که اسلام منع کرده خودداری کنند. بر والدین لازم است برای اینکه فرزند خوبی داشته باشند، صفات رذیله را از خودشان دور کرده و متخلق به اخلاق حسنه شوند و مادر نیز هنگام بارداری باید از هیجان های روحی و استرس ها دور نگه داشته شود تا اثر منفی روی جنین نگذارد. همچنین دین اسلام به والدین دستور می دهد که بعد از تولد فرزندشان با فراهم نمودن محیطی آرام، برقراری روابط صمیمی با فرزندان، ابراز محبت به آن ها، مشورت کردن با آنان، حفظ شخصیت فرزندان، تأمین نیازهای مادی و معنوی، مشورت کردن و تحت تعلیم و تربیت صحیح قراردادن فرزندان خود، زمینه رشد و بالندگی آن ها را فراهم نموده و از کشیده شدن آنان به سمت بزهکاری جلوگیری کنند. با توجه به آموزه های اسلامی، بر خود افراد لازم است تا با اعتقاد به خداوند و اینکه او، همیشه ناظر بر رفتار و گفتار انسان است و همچنین عقیده داشتن به معاد و اینکه هر انسانی در روز قیامت باید پاسخگوی اعمال خودش باشد و پاداش و یا کیفر اعمال خود را ببیند و همچنین با انجام دستورات خداوند از قبیل به پا داشتن نماز و دست گیری از مستمندان با انفاق مال خود و همچنین با قناعت پیشه کردن و برخورد صحیح با اطرافیان و داشتن اخلاق نیکو، صبر و بردباری در مقابل مشکلات و گرفتاری ها، درصدد جلب رضایت الهی برآمده و تلاش کند تا با دوری از گناه و جرم در پیشگاه خداوند سربلند زندگی کند.

منابع و مأخذ:

قرآن کریم

اعلامیه جهانی حقوق بشر

- تقی پور، علیرضا (۱۳۹۳)، پیشگیری غیرکیفری از جرم در نهج البلاغه، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، س ۲، ش ۵.
- توسلی، محمد حسین و محمد امین صادقی (۱۳۹۴)، آموزه‌های اسلامی پیشگیری از جرم، فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی، س ۱۲، ش ۳۲.
- حرعاملی، محمد (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعه، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۵)، بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران: انتشارات مجد.
- شعاری نژاد، علی‌اکبر (۱۳۷۵)، مبانی روان‌شناختی تربیت، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صادقی، حسین و همکاران (۱۳۸۴)، تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۶۸.
- صمدی، علی حسین (۱۳۹۲)، تورم، بیکاری و جرائم اقتصادی، مجله رفاه اجتماعی، ش ۵۱.
- علیزاده، مهدی (۱۳۸۲)، نقش اسلام در پیشگیری و کاهش بزهکاری، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی
- فطرس، محمد حسن و همکاران (۱۳۹۱)، اثرات فقر، بیکاری و شهرنشینی بر جرایم علیه اموال در استان‌های ایران، مجله رفاه اجتماعی، ش ۴۶.
- قبادیان، مسلم و امین روشن‌پور (۱۳۹۵)، نقش نماز و سبک زندگی اسلامی در پیشگیری از بزهکاری، مجله مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ش ۱۰.

- قلی‌پور مازندرانی، قاسم (۱۳۸۵)، سی گوهر شب چراغ، مشهد: نشر یوسف فاطمه علیه‌السلام.
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۰)، جامعه‌شناسی جنایی، تهران: دانشگاه تهران.
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۸۲)، مبانی جرم‌شناسی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- محمدزاده، زینب (۱۳۹۵)، بررسی سبک زندگی اسلامی بر روابط فردی-اجتماعی و خانوادگی افراد، مجله تحقیقات جدید در علوم انسانی، س ۲، ش ۳.
- مظاهری، حسین (۱۳۸۰)، تربیت فرزند از نظر اسلام، قم، انتشارات ام ابیها.
- میر خلیلی، سیدمحمود (۱۳۸۷)، توسعه شهرها و ضرورت پیشگیری وضعی از بزهکاری، فصلنامه حقوق، ش ۳.
- میر خلیلی، سیدمحمود (۱۳۸۸)، پیشگیری وضعی از بزهکاری، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- میر خلیلی، سیدمحمود (۱۳۹۰)، سد ذرایع و پیشگیری از بزهکاری در آموزه‌های اسلامی، نشریه حقوق اسلامی، ش ۳۱.